

جُستاری در فرهنگ و غوغ ساهاب

و یادی از مسعود فرزند

مقدمه

در فرهنگ لغات فارسی، (vagh — vagh) [وق وق = وک وک] صدای وزغ، آوای قورباغه (غوک) ذکر شده و مثالی آمده از نجیبی فرغانی شاعر (قرن پنجم هجری) به این مضمون:

ای دهن باز کرده ابله‌وار

سخنان گفته همچو وزغ چغفر

که پیداست صدای غوک (قورباغه) و وزغ را مشابه هم گرفته‌اند و اما...
وغوغ ساهاب وسیله‌ای است مرکب از دو مقوای مدور سوراخ‌دار که کاغذی معمولاً سفید و ضخیم به شکل استوانه آن دو مقوای مدور را به هم وصل می‌کند و اگر در داخل آن چند مهره‌ی کوچک تعبیه کنند و بعد آن دو قاعده (مقوا) را به هم نزدیک و بعد دور سازند صدایی از آن بیرون می‌آید که سرگرمی خوبی است برای کودکان و گاه بزرگسالان.
نام و غوغ ساهاب غالباً همراه جنجغه می‌آید و فروشنده‌گان دوره‌گرد این دو وسیله‌ی بازی کودکان را با هم تبلیغ می‌کنند. آنان وسیله‌ای چوبی شبیه